

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹، صفحات ۱۴۷-۱۷۱

بررسی تطبیقی عوامل اقتصادی مؤثر بر بهره‌برداری از صنایع روستایی در استان اصفهان

اصغر صالحی، محمود سیف‌الهی، و سیامک شهابی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۶/۲۷

چکیده

هر ساله، بخشی قابل توجه از نیروی انسانی و امکانات دولتی و غیردولتی صرف صدور جواز تأسیس و احداث صنایع در مناطق روستایی می‌شود؛ اما به علت عدم بهره‌برداری به موقع، از سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده استفاده بهینه صورت نمی‌گیرد. هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل اقتصادی مؤثر در تسریع یا تأخیر بهره‌برداری از صنایع روستایی و دستیابی به راهکارهای تقویت عوامل تسهیل‌کننده و رفع عوامل محدودکننده در بهره‌برداری از این صنایع است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که علی‌رغم صرف زمان و هزینه قابل توجه برای صدور جواز تأسیس و سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در زمینه ایجاد نواحی، مجتمع‌ها و کارگاه‌های صنعتی از سوی بخش‌های دولتی و غیردولتی، تاکنون از این سرمایه‌ها به نحو مطلوب استفاده نشده است؛ همچنین، بین وضعیت اکثر متغیرهای مربوط به عوامل فردی و اقتصادی مرتبط با صنعت در صنایع به بهره‌برداری رسیده و نرسیده در مناطق روستایی استان اصفهان تفاوت معنی‌دار وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: صنایع روستایی / عوامل اقتصادی / اصفهان (استان).

* به ترتیب، نویسنده مسئول و دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان (a.salehi47@gmail.com)؛ و کارشناسان ارشد پژوهشی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی اصفهان.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، به‌علت محدودیت منابع آب و خاک، افزایش جمعیت و اشباع ظرفیت اشتغال در بخش کشاورزی، استقرار و گسترش صنایع روستایی به‌مثابه یکی از راهبردهای مهم و مؤثر برای ایجاد فرصت‌های جدید اشتغال، افزایش درآمد، اشاعه فناوری، افزایش تولیدات روستایی، و کاهش مهاجرت مورد توجه برنامه‌ریزان و مجریان قرار گرفته است. با این همه، علی‌رغم تلاش‌ها و اقدامات انجام‌شده در زمینه صدور جواز تأسیس این‌گونه صنایع، همچنان مشاهده می‌شود که بسیاری از صنایع در موعد مقرر به بهره‌برداری نمی‌رسند؛ برای نمونه، از ۱۵۸۲۳ فقره جواز تأسیس صنایع در مناطق روستایی کشور، که وزارت جهاد سازندگی سابق در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۷ صادر کرده بود، تاکنون تنها حدود ۲۸/۶ درصد به بهره‌برداری رسیده است. در استان اصفهان نیز از ۱۲۶۷ فقره جواز صادره طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴، حدود ۲۰/۶ درصد تا مهر ۱۳۸۵ به بهره‌برداری رسیده، ۲۱/۱ درصد در مرحله ساخت بوده و ۵۸/۲ درصد از جوازها ابطال شده است.

بنابراین، از آنجا که از یک سو، هر ساله، حجم وسیعی از نیروی انسانی و امکانات دولت صرف صدور جواز تأسیس و گسترش صنایع در مناطق روستایی می‌شود و افراد نیز سرمایه‌گذاری چشم‌گیری انجام می‌دهند و از سوی دیگر، با بهره‌برداری از صنایع در مناطق روستایی، بخشی از مشکلات این مناطق و از آن جمله بیکاری و مهاجرت کاهش می‌یابد، ضروری است تحقیقاتی در زمینه صنایع روستایی صورت گیرد تا عوامل اقتصادی مؤثر در تسریع یا تأخیر در بهره‌برداری از آنها شناسایی شوند و امکان ارائه راهکارهای مناسب برای تقویت عوامل تسهیل‌کننده و رفع عوامل محدودکننده بهره‌برداری از این صنایع فراهم شود.

روش تحقیق

تحقیقات اقتصادی-اجتماعی، با توجه به اهداف آنها، به تحقیقات بنیادی، کاربردی، و توسعه‌ای تقسیم می‌شوند. تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کاربردی بوده، ماهیت تحقیق پیمایشی و فن جمع‌آوری آمار و اطلاعات مورد نیاز نیز پرسشنامه است.

مبانی نظری

از آنجا که در بیشتر مناطق روستایی، به دلیل کمبود آب و زمین کشاورزی، امکان توسعه فعالیت‌های کشاورزی برای ایجاد شغل و تأمین درآمد بیشتر وجود ندارد و اشتغال در این بخش به حد اشباع رسیده، ایجاد اشتغال در بخش غیرکشاورزی اجتناب‌پذیر است. در این میان، ایجاد اشتغال از طریق راه‌اندازی صنایع کوچک و نقش این صنایع در توسعه مناطق روستایی قابل توجه است. در این زمینه، متخصصان سازمان توسعه صنعتی ملل متحد^(۱) در گردهم‌آیی ۱۹۸۵ سئول با عنوان «بررسی سیاست و راهبرد توسعه صنایع کوچک در آسیا و اقیانوسیه» زمینه‌های نقش‌آفرینی صنایع کوچک در اقتصاد کشورهای در حال توسعه را بدین شرح برشمرده‌اند:

- ایجاد اشتغال برای بیکاران فصلی و افراد نیازمند به شغل در آینده؛
 - کمک به توسعه روستاها؛
 - کاهش مشکلات تراکم جمعیت شهرها با قطع مهاجرت از روستاها به شهرها؛
 - ایجاد ارتباط بین بخش کشاورزی و دیگر بخش‌ها از جمله بخش صنعت؛
 - ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاران در صنایع؛
 - تشویق مردم به پس‌اندازهای شخصی و سوق‌دهی آنها به مقاصد بهره‌وری؛
 - ایجاد انعطاف‌پذیری در تولیدات نسبت به واکنش‌های بازار؛ و
 - تأمین قطعات صنایع بزرگ (محمودنژاد، ۱۳۶۷: ۲۴).
- همچنین، متولیان صنایع روستایی در ایران برای این‌گونه صنایع در مناطق روستایی نقش‌هایی متعدد قائل‌اند، که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:
- اشتغال‌زایی و افزایش درآمد در مناطق روستایی؛
 - کاهش مهاجرت روستاییان و بهبود سطح زندگی در مناطق روستایی؛
 - برگرداندن ارزش افزوده به روستاییان و جلوگیری از خروج مازاد اقتصادی؛
 - تقویت کشاورزی در مناطق روستایی و افزایش تولیدات صنعتی در این مناطق؛
 - ایجاد مرتبط میان صنایع کوچک با بزرگ و نیز صنایع سنتی با نوین؛
 - مرتبط‌سازی صنعت با روستا و کشاورزی، و کاهش هزینه‌های تولید؛

- توزیع عادلانه فعالیت‌های اقتصادی در سراسر کشور (تمرکززدایی)؛
- توزیع عادلانه ثروت و توزیع متعادل جمعیت؛
- ایجاد پیوند قوی بین مناطق شهری و روستایی؛ و
- پایه‌گذاری صنعت خودکفا و مستقل و رفع بخشی از تنگناهای صنایع کشور (رادان، ۱۳۷۵: ۲۳).

بنابراین، ایجاد صنایع روستایی، از یک سو، با تمرکززدایی از صنعت، جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها، اتکا به نیروی کار غیرماهر و سرمایه‌اندک، توسعه و ارتقای فناوری با توجه به وجود تقاضا برای محصول، ارتقای فناوری صنایع خانگی به کارگاهی و کارگاهی به کارخانه‌ای، و نیز با گسترش بازار فروش از سطح محلی به ملی، نقشی مهم در توسعه بخش صنعت ایفا خواهد کرد و از سوی دیگر، چون این صنایع در کنار مزارع و باغ‌ها ایجاد می‌شوند و امکان فرآوری محصولات کشاورزی در محل فراهم می‌آید، کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل، جلوگیری از فساد محصولات کشاورزی تا رسیدن به بازار مصرف، حذف واسطه‌ها، کاهش نوسان‌های فصلی قیمت محصولات کشاورزی، و تبدیل ضایعات مصرفی به محصولات جدید را در پی خواهد داشت (خزاعی قوژدی، ۱۳۷۶: ۱۰۴).

در زمینه عوامل مؤثر در ایجاد و بهره‌برداری از صنایع روستایی، کارشناسان و متخصصان سازمان توسعه صنعتی ملل متحد در گردهم‌آیی سپتامبر ۱۹۸۵ در سؤال راه‌حلی‌هایی ارائه کردند، که بخشی از آنها عبارت‌اند از:

- اعطای اعتبارات کوتاه و بلندمدت برای رشد و تنوع واحدهای صنایع کوچک؛
- توسعه بازارهای داخلی و ایجاد بازارهای جدید برای تولیدات این صنایع با همکاری دولت و بخش خصوصی؛
- ارتقای دانش فنی کارکنان صنایع کوچک از طریق آموزش جدیدترین فنون، و توجه مسئولان در زمینه به‌کارگیری توانایی‌های فناوری محلی؛
- ایجاد قوانینی در راستای حفظ و تقویت موقعیت صنایع کوچک در ارتباط با مسائل مالی شرکای تجاری قوی؛

- تدوین قراردادهای ویژه برای حمایت از صنایع کوچک در تمام مراحل برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری؛
 - فراهم‌سازی زمینه نزدیک‌تر شدن صنایع کوچک به یکدیگر با احداث راه، شبکه ارتباطات تلفنی، و نیز از طریق تعیین مکان‌های صنعتی مناسب؛
 - فراهم‌سازی زمینه توسعه و رونق فناوری موجود به‌جای ورود فناوری نو به صنایع کوچک و نیز استفاده از فناوری‌های جدید در مواقع اضطراری؛
 - تربیت نیروی انسانی ماهر در زمینه‌های کنترل مالی، حسابداری، مدیریت و سرپرستی، بازاریابی، و مسائل فنی تولید برای صنایع کوچک؛
 - معرفی ترکیب‌هایی واحد از صنایع کوچک سستی و نوین که بتوان آنها را در سطح ملی و منطقه‌ای به‌کار انداخت؛
 - تشویق صنایع کوچک به مشارکت در معاملات و مناقصات همگانی؛
 - تأمین ارتباط بهتر بین صنایع کوچک و بزرگ و حمایت دوجانبه ملی و بین‌المللی از تعاون و همکاری بین صنایع کوچک؛
 - سازمان‌دهی و تطابق پخش صنایع کوچک در مناطق روستایی و ادغام صنایع کوچک و کشاورزی در سطح ملی (محمودنژاد، ۱۳۶۷: ۲۶).
- برای تشویق توسعه صنایع کوچک، کشورهای مختلف به طراحی و اجرای روش‌های گوناگون پرداخته‌اند؛ این روش‌ها در ژاپن، چین، هند و کره شمالی بدین شرح بوده است:
- در ژاپن، قانون‌گذاری در زمینه صنایع کوچک به‌شکلی نظام‌یافته مورد تأکید بوده و قوانینی برای حمایت از توسعه این‌گونه صنایع وضع شده است، که از آن جمله‌اند: قانون بنیادی فعالیت‌های اقتصادی کوچک و متوسط، و قانون‌های مربوط به ترویج و پیشرفت مبادله تجاری، ساختار سازمانی، همکاری و تعاونی، و جلوگیری از تأخیر پرداخت‌ها (فروزفر، ۱۳۶۴: ۱۷-۲۳).
 - در چین، تاکنون سیاست‌گذاری‌ها بر حمایت از صنایع کوچک کاربر، که نیاز کمتری به سرمایه دارد و با بخش کشاورزی نیز هماهنگ است، استوار بوده است.

- در هند، صنایع کوچک با دیگر بخش‌های اقتصادی ادغام و عدم تعادل منطقه‌ای تصحیح شده است؛ همچنین، با اتخاذ روش‌های نگهداری و حفظ محصولات، از تولیدات صنایع کوچک حمایت و نیز همکاری واحدها بسیار تشویق می‌شود.
 - در کره شمالی، روش‌های توسعه حرفه‌های کوچک، شامل موارد مختلف مالی، فنی، بازاریابی، حمایتی، تأسیس تعاونی‌ها، نوسازی فناوری و مدیریتی از طریق خدمات ترویجی، اطلاع‌رسانی، و برنامه‌های آموزشی، از سوی «سازمان پیشرفت صنایع کوچک و متوسط» به اجرا گذاشته می‌شود (محمودنژاد، ۱۳۶۷: ۳۲-۳۴).
- بنابراین، بر اساس نظریه‌ها، دیدگاه‌های صاحب‌نظران و تجارب دیگر کشورها، در ایجاد و گسترش واحدهای صنعتی کوچک و نیز بهره‌برداری از آنها به‌ویژه در مناطق روستایی، بسیاری از عوامل دخالت دارند.

پیشینه تحقیق

علی‌رغم بررسی‌های به‌عمل آمده در زمینه سوابق مطالعات انجام‌شده در داخل و نیز خارج از کشور، پژوهشی با عنوان پژوهش حاضر و یا مشابه آن یافت نشده و پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه صنایع روستایی عموماً در رابطه با بررسی عوامل مؤثر بر توسعه و گسترش صنایع روستایی و یا اثرات اقتصادی-اجتماعی آنها بوده است؛ از این‌رو، در این قسمت، برخی از پژوهش‌هایی را یادآور می‌شویم که در ایران انجام شده و نتایج آن به‌نحوی با عوامل و متغیرهای مورد بررسی در پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد:

غراب (۱۳۷۲)، در تحقیق خود نقش مواردی از جمله میزان تطابق بین سرمایه‌گذاری اسمی پیش‌بینی‌شده و سرمایه‌گذاری واقعی، تطابق میزان فروش اسمی پیش‌بینی‌شده و فروش واقعی، واردات کالاهای مشابه، عدم استفاده از ظرفیت کامل تولید، وابستگی به مواد اولیه محلی و خارجی، قیمت و کیفیت محصول، بازاریابی در واحد صنعتی را در بهره‌وری و کارایی و در نتیجه، تداوم فعالیت صنایع روستایی مؤثر تشخیص داده است.

عابدی استیاری (۱۳۷۶) به بررسی موافقت‌های اصولی صادره از سوی صنایع روستایی سازمان جهاد سازندگی استان آذربایجان شرقی پرداخته است. بر اساس نتایج این تحقیق، میزان سرمایه آورده فرد متقاضی، تجربه قبلی او، وضعیت برخورداری طرح از تسهیلات بانکی، و امکان تحقق‌پذیری هزینه برآوردی طرح، به ترتیب، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پیشرفت فیزیکی موافقت‌های اصولی صادره در زمینه صنایع روستایی بوده‌اند.

دربان آستان (۱۳۷۹) نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از متغیرهای مربوط به ویژگی‌های اجتماعی و فردی نیروی کار و مدیران بر ارزش تولیدات و بهره‌وری کل عوامل تولید تأثیر ندارد؛ اما بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل همبستگی، سن مدیران، آموزش نیروی کار، و نسبت جنسیتی مدیران دارای رابطه مثبت و معنی‌دار با ارزش تولیدات است.

غراب (۱۳۶۹) به ویژگی‌های عمده کشورهای در حال رشد و وضعیت صنایع کوچک روستایی آنها به صورت توصیفی و بر اساس گزارش‌های موجود پرداخته است. رزمی و همکاران (۱۳۷۹) میزان سرمایه و منابع تأمین آن، کمیت و کیفیت نیروی انسانی، چگونگی دسترسی به مواد اولیه و تجهیزات، وضعیت بازار محصولات، نگرش افراد نسبت به صنایع روستایی، تمرکز و عدم تمرکز صنایع، امکانات رفاهی و زیربنایی منطقه، برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی، قوانین و مقررات موجود، و وضعیت فرهنگ عمومی منطقه را از عوامل مؤثر بر ایجاد و گسترش صنایع روستایی دانسته‌اند.

دفتر مطالعات اقتصادی، وابسته به معاونت طرح و برنامه ریزی وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۲) نیز با بهره‌گیری از نظریه‌های رشد اقتصادی و نگرش عینی و آماری، نقش دولت در سرمایه‌گذاری صنعتی، سیاست‌گذاری‌های دولت برای سرمایه‌گذاری، و متغیرهای اقتصادی نظیر میزان درآمد، نرخ بهره، دسترسی به اعتبار، میزان پس‌انداز، قیمت محصولات تولیدی، و انتظارات سرمایه‌گذار را از عوامل مؤثر بر صنعتی‌سازی مناطق روستایی دانسته است.

جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل واحدهای صنعتی موجود و در حال ساخت در مناطق روستایی استان اصفهان است. بر اساس اطلاعات گردآوری شده از اداره صنایع استان اصفهان، طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴، حدود ۱۲۶۷ فقره جواز تأسیس صنایع در مناطق روستایی استان صادر شده که بیش از ۵۸/۲ درصد یا ۷۳۸ فقره از آنها تا مهر ماه ۱۳۸۵ باطل شده، ۲۰/۶ درصد یا ۲۶۱ فقره به بهره‌برداری (تولید) رسیده، و ۲۱/۲ درصد یا ۲۶۸ فقره در مراحل مختلف ساخت اعم از تهیه زمین، احداث ساختمان و یا تجهیز بوده و هنوز به بهره‌برداری (تولید) نرسیده است. واحدهای صنعتی یاد شده را می‌توان بر اساس نوع صنعت، به شش نوع شامل صنایع غذایی، نساجی، سلولزی، شیمیایی، کانی غیرفلزی، و کانی فلزی تقسیم‌بندی کرد.

حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

از آنجا که جواز تأسیس واحدهای موجود و به تبع آن، واحدهای صنعتی روستایی به دو گروه شامل واحدهای به بهره‌برداری رسیده و واحدهای به بهره‌برداری نرسیده تقسیم شده، برآورد حجم نمونه با استفاده از معادله زیر صورت گرفته است:

$$n = \frac{Nt^2Pq}{t^2Pq + NE^2}$$

و بدین ترتیب، حجم نمونه ۱۰۹ واحد صنعتی مناطق روستایی تعیین شده، که برای افزایش دقت و درستی نتایج و نیز با توجه به احتمال نقص در تکمیل و یا عدم عودت تعدادی از پرسشنامه‌ها، این رقم با ۳۰ درصد افزایش به ۱۴۲ فقره افزایش یافت.

برای انتخاب نمونه‌ها، ابتدا اسامی واحدهای به بهره‌برداری رسیده و واحدهای به بهره‌برداری نرسیده بر اساس سال صدور جواز تأسیس مرتب شده، سپس، ۱۴۲ واحد صنعتی به روش تصادفی از فهرست یاد شده انتخاب شدند.

یافته‌ها

ویژگی‌های عمومی صنایع مورد بررسی

از مجموع صنایع روستایی دارای جواز تأسیس به بهره‌برداری رسیده در مناطق روستایی استان اصفهان، به ترتیب، ۲۳/۸، ۲۶/۸، ۹/۲، ۹/۲، ۲۰/۷، ۱۰/۳ درصد آنها در زمینه صنایع غذایی، نساجی، سلولزی، شیمیایی، کانی غیرفلزی، و کانی فلزی فعالیت می‌کنند. همچنین، از مجموع صنایع روستایی دارای جواز تأسیس که به بهره‌برداری نرسیده‌اند، به ترتیب، ۳۹/۹، ۱۱/۶، ۸/۶، ۱۵/۳، ۱۴/۵، و ۱۰/۱ درصد در زمینه صنایع غذایی، نساجی، سلولزی، شیمیایی، کانی غیرفلزی، و کانی فلزی فعالیت دارند.

عوامل فردی

از آنجا که باید عوامل فردی در دو گروه شامل واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده و واحدهای صنعتی به بهره‌برداری نرسیده بررسی شود و بدیهی است که واحدهای به بهره‌برداری نرسیده همچنان در حال ساخت بوده، هنوز به مرحله به‌کارگیری نیروی انسانی برای تولید نرسیده‌اند، تنها به خصوصیات فردی سرمایه‌گذاران و مدیران واحدهای صنعتی مورد بررسی پرداخته می‌شود (جداول ۱ و ۲).

بر اساس نتایج به‌دست آمده در این زمینه، سه متغیر از متغیرهای فردی مورد بررسی شامل میزان تجربه فردی سرمایه‌گذاران، میزان تجربه مدیران، و محل تولد سرمایه‌گذاران در واحدهای به بهره‌برداری رسیده و واحدهای به بهره‌برداری نرسیده دارای اختلاف معنی‌دار است؛ به دیگر سخن، هر چه میزان تجربه فردی سرمایه‌گذاران و میزان تجربه مدیران در زمینه صنعت مورد نظر بالاتر و یا محل تولد سرمایه‌گذاران به محل استقرار واحد صنعتی (بومی منطقه) نزدیک‌تر بوده، واحد صنعتی مورد نظر زودتر و در غیر این صورت، دیرتر به بهره‌برداری رسیده است. در همین ارتباط، سایر متغیرها شامل سن، سواد، رشته تحصیلی، تجربه خانوادگی، پشتکار، و محل سکونت سرمایه‌گذاران و همچنین، سن، سواد، رشته تحصیلی، و محل سکونت مدیران در واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده و به بهره‌برداری نرسیده تفاوت معنی‌دار نداشته است.

جدول ۱- مقایسه خصوصیات فردی سرمایه‌گذاران واحدهای صنعتی

سطح معنی‌داری	مقدار آزمون	آزمون	وضعیت واحد		تعداد پاسخ‌گو	مشخصات	
			به بهره‌برداری رسیده	به بهره‌برداری نرسیده			
۰/۱۶۲	۱/۴۰۲	t	۳۹/۴	۳۷/۸	۱۲۸	سن (سال)	
۰/۱۲۹	۱/۵۲۳	t	۱۰/۰	۱۰/۸	۱۲۸	سواد (کلاس)	
۰/۰۰۷*	۲/۷۰۹	t	۷/۱	۴/۵	۱۲۶	تجربه شخصی (سال)	
۰/۶۷۵	۰/۴۲۰	t	۳/۴	۲/۹	۱۲۵	تجربه خانوادگی (سال)	
۰/۰۶۳	۱/۸۴۵	t	۵/۲	۴/۱	۱۲۶	پشتکار (ساعت کار در روز)	
۰/۷۶۱	۰/۰۹۳	X ^۲	۴۶/۵	۵۰	۶۱	مرتبط با صنعت (درصد)	رشته تحصیلی
			۵۳/۵	۵۰	۶۶	غیرمرتبط با صنعت (درصد)	
۰/۰۲۵ ×	۱۱/۳۳۷	X ^۲	۳۷/۰	۲۴/۲	۴۰	روستاهاى منطقه (درصد)	محل تولد
			۴۶/۴	۵۱/۶	۶۲	شهرهاى منطقه (درصد)	
			۱۶/۳	۲۴/۲	۲۵	سایر (درصد)	
۰/۱۶۱	۳/۶۵۲	X ^۲	۳۶/۶	۲۷/۳	۴۱	روستاهاى منطقه (درصد)	محل سکونت
			۴۷/۱	۵۱/۳	۶۳	شهرهاى منطقه (درصد)	
			۱۶/۳	۲۱/۴	۲۳	سایر (درصد)	

مأخذ: نتایج تحقیق

جدول ۲- مقایسه خصوصیات فردی مدیران واحدهای صنعتی

سطح معنی‌داری	مقدار آزمون	آزمون	وضعیت واحد		تعداد پاسخ‌گو	مشخصات	
			به بهره‌برداری رسیده	به بهره‌برداری نرسیده			
۰/۱۰۷	۱/۶۲۵	t	۴۲/۱	۳۹/۷	۱۲۸	سن (سال)	
۰/۴۹۸	۱/۶۷۹	t	۱۰/۳	۱۰/۸	۱۲۸	سواد (کلاس)	
۰/۰۰۳ *	۳/۰۷۳	t	۱۱/۷	۶/۵	۱۲۷	تجربه (سال)	
۰/۸۹۷	۰/۰۱۷	X ^۲	۵۷/۱	۵۴/۵	۷۱	مرتبط با صنعت (درصد)	رشته تحصیلی
			۴۲/۹	۴۵/۵	۵۷	غیرمرتبط با صنعت (درصد)	
۰/۰۹۴	۴/۷۳۴	X ^۲	۴۶/۰	۴۳/۳	۵۷	روستاهاى منطقه (درصد)	محل سکونت
			۴۶/۰	۵۰/۰	۶۱	شهرهاى منطقه (درصد)	
			۸/۰	۱۹/۷	۹	سایر (درصد)	

مأخذ: نتایج تحقیق

عوامل اقتصادی

داشتن طرح توجیهی و تهیه‌کنندگان طرح، مدت‌زمان احداث و تجهیز، میزان و منابع تأمین سرمایه مورد نیاز برای احداث و راه‌اندازی، تقاضای محصولات، محل تولید مواد اولیه، و محل مصرف محصولات تولیدی از متغیرهای اقتصادی مورد بررسی در پژوهش حاضر است.

داشتن طرح توجیهی و تهیه‌کنندگان طرح

در روند صدور موافقت‌های اصولی تأسیس صنایع در مناطق روستایی، پس از تکمیل فرم‌های اولیه و پذیرش آن، متقاضی باید به ارائه طرح توجیه اقتصادی و فنی حاکی از توجیه اقتصادی تأسیس صنعت مورد نظر اقدام کند. در این قسمت، صرف نظر از چگونگی تهیه این طرح‌ها و محتوای آنها، به وضعیت واحدهای صنعتی مورد بررسی از نظر داشتن طرح‌های توجیهی و تهیه‌کنندگان این گونه طرح‌ها می‌پردازیم.

براساس نتایج بررسی‌های انجام‌شده، ۹۶/۱ درصد از واحدهای صنعتی مورد بررسی شامل ۹۴/۲ درصد از واحدهای بهره‌برداری رسیده و ۹۸/۳ درصد از واحدهای بهره‌برداری نرسیده دارای طرح‌های توجیه اقتصادی و فنی بوده‌اند. بنابراین، با توجه به نتیجه آزمون X^2 ($P=0/232$)، بین صنایع به بهره‌برداری رسیده و صنایع به بهره‌برداری نرسیده از نظر داشتن طرح توجیهی تفاوتی وجود نداشته است (جدول ۳).

نتایج بررسی‌ها در زمینه تهیه‌کنندگان طرح‌های توجیهی نیز نشان می‌دهد که ۴۶/۷ درصد از طرح‌های توجیهی واحدهای صنعتی مورد بررسی را متقاضیان به‌تنهایی یا با همکاری مشاوران خصوصی، ۴۲/۵ درصد را با همکاری کارشناسان و یا بانک‌های عامل، و ۱۰/۸ درصد را با همکاری مشاوران خصوصی و کارشناسان تهیه کرده‌اند. این ارقام برای واحدهای بهره‌برداری رسیده، به ترتیب، ۴۲/۹، ۴۶/۰، و ۱۱/۱ درصد و برای واحدهای بهره‌برداری نرسیده نیز به ترتیب، ۵۰/۹، ۳۸/۶، و ۱۰/۵ درصد است. بنابراین، نتیجه آزمون X^2 ($P=0/667$) در این مورد نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار بین دو گروه از صنایع مورد بررسی است (جدول ۳).

جدول ۳- مقایسه واحدهای صنعتی مورد بررسی از نظر داشتن طرح توجیهی و تهیه کنندگان طرح

شرح	تعداد پاسخ‌گو	وضعیت واحد		آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری
		به بهره‌برداری نرسیده	به بهره‌برداری رسیده			
طرح توجیهی داشته (درصد)	۱۲۳	۹۴/۲	۹۸/۳	X ^۲	۱/۴۲۶	۰/۲۳۲
	۴	۵/۸	۱/۷			
تهیه کنندگان متقاضی و مشاور (درصد)	۵۹	۵۰/۹	۴۲/۹	X ^۲	۰/۸۱۱	۰/۶۶۷
	۵۵	۳۸/۶	۴۶/۰			
	۱۴	۱۰/۵	۱۱/۱			
طرح سایر						

مأخذ: نتایج تحقیق

مدت زمان احداث و تجهیز

نتایج بررسی‌ها در زمینه مدت‌زمان احداث و تجهیز واحدهای صنعتی مورد مطالعه نشان می‌دهد که از نظر ۵۰/۸ درصد پاسخ‌گویان شامل ۳۷/۷ درصد پاسخ‌گویان صنایع به بهره‌برداری رسیده و ۶۶/۱ درصد پاسخ‌گویان صنایع به بهره‌برداری نرسیده، این مدت‌زمان نسبت به نیاز مورد نظر بیش از حد مناسب طول کشیده یا خواهد کشید. بنابر این، بر اساس نتیجه آزمون $X^2 (P=0/001)$ ، اختلاف بین ارقام یاد شده در مورد صنایع به بهره‌برداری رسیده و به بهره‌برداری نرسیده معنی‌دار است؛ و چنان‌که پیداست، مدت‌زمان احداث صنایع به بهره‌برداری نرسیده بیش از صنایع به بهره‌برداری رسیده خواهد بود. گرچه این مدت در ۳۷/۷ درصد از واحدهای به بهره‌برداری رسیده نیز از مدت مقرر بیشتر بوده است.

در زمینه موارد ایجاد این وضعیت، پاسخ‌گویان به ۲۷۶ مورد اشاره کرده‌اند، که ۱۴۲ مورد آن مربوط به واحدهای به بهره‌برداری رسیده و ۱۳۴ مورد مربوط به واحدهای به بهره‌برداری نرسیده است. عدم انجام به‌موقع تعهدات از سوی پیمانکار، معطل شدن برای گرفتن تسهیلات بانکی، همکاری نکردن ادارات مرتبط، نامناسب بودن زمین

واگذاری، و پیگیر نبودن سرمایه‌گذاران، به ترتیب، با ۲۹/۶، ۲۸/۲، ۱۹/۷، ۷/۷، و ۴/۹ درصد، بیشترین مواردی بوده است که پاسخ‌گویان واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده به آنها اشاره داشتند. این ارقام، به ترتیب، ۲۵/۴، ۲۴/۶، ۱۷/۹، ۹/۰، و ۱۳/۴ درصد از علل مورد اشاره پاسخ‌گویان واحدهای صنعتی به بهره‌برداری نرسیده را نیز تشکیل می‌دهند. بر اساس نتایج آزمون X^2 ، عدم انجام به موقع تعهدات از سوی پیمانکار، معطل شدن برای گرفتن تسهیلات بانکی، و پیگیر نبودن سرمایه‌گذاران در دو گروه دارای تفاوت معنی‌دار است و در سایر موارد، میان دو گروه تفاوتی وجود ندارد. به عبارت دیگر، در واحدهای به بهره‌برداری رسیده، بیشتر عدم انجام به موقع تعهدات از سوی پیمانکار و معطل شدن برای گرفتن تسهیلات بانکی باعث طول کشیدن مدت زمان احداث و تجهیز واحدهای صنعتی شده، در حالی که آنچه در واحدهای به بهره‌برداری نرسیده موجب این وضعیت شده، پیگیر نبودن سرمایه‌گذاران بوده است (جدول ۴).

جدول ۴- مقایسه مدت‌زمان احداث و تجهیز واحدهای صنعتی مورد بررسی و علل طول کشیدن آن

سطح معنی‌داری	مقدار آزمون	آزمون	وضعیت واحد		تعداد پاسخ‌گو	امنیت و اقلیم	
			به بهره‌برداری رسیده	به بهره‌برداری نرسیده			
۰/۰۰۱ *	۶/۰۵۲	X^2	۶۲/۳	۳۳/۹	۶۳	مدت‌زمان مناسب (درصد)	مدت- زمان احداث و تجهیز
			۳۷/۷	۶۶/۱	۶۲	بیش از مدت‌زمان مناسب (درصد)	
۰/۰۲۶ *	۷/۳۰۸	X^2	۲۹/۶	۲۵/۴	۳۵	عدم انجام به موقع تعهدات از سوی پیمانکار (درصد)	علل طول کشیدن احداث و تجهیز
۰/۰۲۳ *	۵/۱۷۶	X^2	۲۸/۲	۲۴/۶	۳۳	معطل شدن برای گرفتن تسهیلات بانکی (درصد)	
۰/۱۴۶	۲/۱۱۸	X^2	۱۹/۷	۱۷/۹	۲۵	همکاری نکردن ادارات مرتبط (درصد)	
۰/۸۴۵	۰/۰۳۴	X^2	۷/۷	۹/۰	۱۰	نامناسب بودن زمین‌واگذاری (درصد)	
۰/۰۰۴ *	۸/۳۹۲	X^2	۴/۹	۱۳/۴	۱۱	پیگیر نبودن سرمایه‌گذاران (درصد)	
۰/۵۴۳	۰/۳۷۰	X^2	۹/۹	۹/۷	۱۳	سایر موارد (درصد)	

مأخذ: نتایج تحقیق

میزان سرمایه‌گذاری

میزان سرمایه‌گذاری برآورد شده برای واحدهای صنعتی مورد بررسی بر اساس جوازهای تأسیس صادر شده و نیز طرح‌های توجیهی و میزان سرمایه‌گذاری انجام شده یا مورد نیاز برای این واحدها به شرح زیر است:

سرمایه برآورد شده

بر اساس جوازهای تأسیس صادر شده، سرمایه‌گذاری ثابت مورد نیاز برای هر کدام از واحدهای صنعتی مورد بررسی حدود ۸۴۷ میلیون تومان برآورد شده، که این رقم برای واحدهای به بهره‌برداری رسیده ۷۷۶/۶ میلیون تومان و برای واحدهای به بهره‌برداری نرسیده ۹۲۹/۴ میلیون تومان بوده و نشان‌دهنده حدود ۱۵۲/۸ میلیون تومان تفاوت است. با این همه، بر اساس نتیجه آزمون t ($P=۰/۴۱۰$)، تفاوت معنی‌دار بین سرمایه برآورد شده در دو گروه وجود ندارد (جدول ۵).

همچنین، در طرح‌های توجیهی تهیه شده برای واحدهای صنعتی مورد بررسی، هزینه‌های احداث و تجهیز هر واحد صنعتی ۸۷۶ میلیون تومان برآورد شده، که این رقم برای واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده ۱۰۴۱/۶ میلیون تومان و برای واحدهای صنعتی به بهره‌برداری نرسیده ۷۳۳/۲ میلیون تومان است؛ به دیگر سخن، هر کدام از واحدهای به بهره‌برداری نرسیده به‌طور متوسط ۴۲/۱ درصد بیش از واحدهای به بهره‌برداری رسیده نیاز به سرمایه‌گذاری دارند. علی‌رغم این وضعیت، بر اساس نتیجه آزمون t ($P=۰/۰۷۲$)، بین میزان سرمایه‌گذاری‌های برآورد شده برای واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده و به بهره‌برداری نرسیده اختلاف معنی‌دار وجود ندارد (جدول ۵).

میزان سرمایه‌گذاری مورد نیاز

همان‌گونه که پیش‌تر یادآور شدیم، میزان پیشرفت فیزیکی ۱۱/۳ درصد از واحدهای صنعتی به بهره‌برداری نرسیده کمتر از ۱۰ درصد، ۲۴/۵ درصد بین ۱۰ تا ۳۰، ۱۹ درصد بین ۳۱ تا ۶۰، ۳۹ درصد بین ۶۱ تا ۹۰، و ۳/۴ درصد نیز بین ۹۱ تا ۹۹ درصد بوده و در این واحدها، تاکنون به‌طور متوسط ۵۴۰/۲ میلیون تومان سرمایه‌گذاری شده است؛ و

برای تکمیل و راه‌اندازی آنها، باید ۶۷۱ میلیون تومان دیگر سرمایه‌گذاری شود. به دیگر سخن، به‌طور متوسط، برای احداث و تجهیز هر کدام از واحدهای صنعتی به بهره‌برداری نرسیده به ۱۲۱۱/۲ میلیون تومان سرمایه‌گذاری نیاز است، در حالی که واحدهای به بهره‌برداری رسیده با ۶۹۵ میلیون تومان سرمایه‌گذاری احداث و تجهیز شده‌اند. به عبارت دیگر، «سرمایه‌بر بودن» از عواملی است که باعث تأخیر بهره‌برداری از صنایع در مناطق روستایی شده است (جدول ۵).

شایان یادآوری است که واحدهای به بهره‌برداری رسیده برای فعالیت در ظرفیت کامل، به‌طور متوسط، به ۲۳۰ میلیون تومان سرمایه‌گذاری دیگر نیاز دارند که با احتساب آن نیز سرمایه‌بری این واحدها کمتر از واحدهای به بهره‌برداری رسیده خواهد بود.

نسبت سرمایه مورد نیاز به سرمایه برآورد شده

با توجه به میزان سرمایه برآورد شده در طرح‌های توجیهی و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده یا مورد نیاز برای احداث و تجهیز واحدهای صنعتی مورد بررسی، در ۴۱/۵ درصد موارد، این ارقام چندان تفاوت نداشته، در ۴۸/۸ درصد، سرمایه مورد نیاز بیش از سرمایه برآورد شده، و تنها در ۹/۸ درصد، سرمایه مورد نیاز کمتر از سرمایه برآورد شده ذکر شده است؛ این ارقام برای واحدهای به بهره‌برداری رسیده، به ترتیب، ۱۸/۲، ۶۶/۷، و ۱۵/۲ درصد و برای واحدهای به بهره‌برداری نرسیده، به ترتیب، ۶۸/۴، ۲۸/۱، و ۳/۵ درصد ذکر شده و از این رو، نشان‌دهنده وضعیت مطلوب‌تر در واحدهای به بهره‌برداری نرسیده در مقایسه با سایر واحدهاست، گرچه در آینده به‌علت طولانی شدن مراحل ساخت و تجهیز این واحدها و بالا بودن نرخ تورم در کشور، ممکن است وضعیتی مشابه برای آنها پدید آید (جدول ۵).

در زمینه موارد بیشتر شدن سرمایه مورد نیاز نسبت به سرمایه برآورد شده، پاسخ‌گویان به ۲۱۵ مورد اشاره کرده‌اند، که ۱۱۵ مورد مربوط به واحدهای به بهره‌برداری رسیده و ۱۰۰ مورد مربوط به واحدهای به بهره‌برداری نرسیده است. بالا بودن نرخ تورم در کشور، طولانی بودن مراحل تصویب و پرداخت تسهیلات بانکی، عدم پرداخت تمام تسهیلات مصوب از سوی بانک‌ها، وجود دیوان‌سالاری در زمینه

مجوزهای لازم، و عدم برآورد درست هزینه‌ها، به ترتیب، ۳۵/۳، ۱۸/۱، ۱۵/۳، ۱۴/۴، و ۹/۷ درصد از این موارد را تشکیل می‌دهند، که تقریباً در هر دو گروه از واحدهای مورد بررسی مشابه است.

میزان سرمایه در گردش

متوسط سرمایه در گردش مورد نیاز واحدهای به بهره‌برداری رسیده، با توجه به ظرفیت تولید آنها، ۷۱۳/۷ میلیون تومان بوده، در حالی که میزان سرمایه در گردش واحدهای صنعتی مورد بررسی با ظرفیت کامل ۱۰۹۸/۸ میلیون تومان ذکر شده است؛ این ارقام برای واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده با ظرفیت کامل ۱۲۲۵/۶ میلیون تومان و برای واحدهای به بهره‌برداری نرسیده ۹۵۵/۶ میلیون تومان برآورد می‌شود. بنابر این، مقایسه میزان سرمایه در گردش واحدهای به بهره‌برداری رسیده با واحدهای به بهره‌برداری نرسیده حاکی از نیاز کمتر واحدهای به بهره‌برداری نرسیده به سرمایه در گردش است؛ با این همه، نتیجه آزمون t ($P=۰/۳۵۲$) نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار بین آنها نیست (جدول ۵).

جدول ۵- مقایسه میزان سرمایه واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده و به بهره‌برداری نرسیده

سطح معنی‌داری	مقدار آزمون	آزمون	وضعیت واحد		شرح
			به بهره‌برداری رسیده	به بهره‌برداری نرسیده	
۰/۴۱۰	۰/۸۲۷	t	۷۷۶/۶	۹۲۹/۴	سرمایه برآورد شده در جوازهای تأسیس (میلیون تومان)
۰/۰۷۲	۱/۸۱۳	t	۷۳۳/۲	۱۰۴۱/۶	در طرح‌های توجیهی
۰/۰۱۳ *	۲/۵۴۰	t	۶۹۵/۰	۱۲۱۱/۲	سرمایه احداث و تجهیز (میلیون تومان)
۰/۰۰۰ *	۳۲/۲۰۸	X^2	۱۵/۲	۳/۵	کمتر (درصد)
			۱۸/۲	۶۸/۴	مساوی (درصد)
			۶۶/۷	۱۰/۵	بیشتر (درصد)
۰/۳۵۲	۰/۹۳۵	t	۱۲۲۵/۶	۹۵۵/۶	سرمایه در گردش (میلیون تومان)

مأخذ: نتایج تحقیق

منابع تأمین سرمایه

در پژوهش حاضر، منابع تأمین سرمایه احداث و تجهیز و فعالیتهای واحدهای صنعتی در قالب آورده سرمایه‌گذار و تسهیلات بانکی مورد بررسی قرار گرفته است:

آورده سرمایه‌گذار: نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که در حدود ۵۱/۵ درصد از سرمایه برآورد شده برای احداث و تجهیز واحدهای صنعتی مورد بررسی به عهده سرمایه‌گذار و بقیه آن به عهده نظام بانکی بوده، که این میزان (سهم سرمایه‌گذار) برای واحدهای بهره‌برداری نرسیده ۴۲/۳ درصد است؛ و در این مورد، نتیجه آزمون t ($P=0/۸۶۴$) حاکی از عدم وجود تفاوت معنی‌دار بین سهم آورده سرمایه‌گذار در دو گروه از واحدهای صنعتی است. به عبارت دیگر، سهم سرمایه‌گذار در تأمین سرمایه مورد نیاز واحدهای صنعتی با بهره‌برداری رسیدن و بهره‌برداری نرسیدن آنها ارتباطی نداشته است.

تسهیلات بانکی: تاکنون در مجموع، ۵۵/۵ درصد از سرمایه‌گذاران واحدهای صنعتی مورد بررسی شامل ۷۹/۷ درصد از سرمایه‌گذاران واحدهای بهره‌برداری رسیده و ۲۰/۳ درصد سرمایه‌گذاران واحدهای بهره‌برداری نرسیده برای احداث و تجهیز واحدهای خود از تسهیلات بانکی استفاده کرده‌اند. متوسط میزان تسهیلات استفاده شده از سوی این سرمایه‌گذاران، به ترتیب، ۱۷۶/۶، ۲۱۰/۴، و ۱۳۸/۱ میلیون تومان و به دیگر سخن، ۲۸/۳، ۶۰/۳، و ۲۵/۶ درصد از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده بوده و از این رو، بر اساس نتیجه آزمون t ($P=0/۲۴۱$)، بین میزان ریالی تسهیلات بانکی استفاده شده برای ساخت و تجهیز توسط سرمایه‌گذاران واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده و بهره‌برداری نرسیده تفاوت معنی‌دار وجود ندارد (جدول ۶).

شایان یادآوری است که در زمان فعالیت واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده، حدود ۲۷/۷ درصد از سرمایه در گردش مورد نیاز آنها از طریق نظام بانکی تأمین می‌شود؛ و پاسخ‌گویان واحدهای بهره‌برداری نرسیده نیز امیدوارند بتوانند ۴۵/۷ درصد از سرمایه در گردش مورد نیاز واحد صنعتی خود را از این طریق تأمین کنند، که تحقق آن با توجه به وضعیت موجود پرداخت تسهیلات بانکی به واحدهای صنعتی برای تأمین سرمایه در گردش بعید به نظر می‌رسد.

جدول ۶- مقایسه میزان سهم و آورده نظام بانکی در واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده و به بهره‌برداری نرسیده

شرح	وضعیت واحد				آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری
	به بهره‌برداری نرسیده		به بهره‌برداری رسیده				
	مبلغ (میلیون ریال)	درصد	مبلغ (میلیون ریال)	درصد			
سهم نظام بانکی	۴۰۰/۷	۵۷/۷	۲۰۲/۸	۳۷/۶	t	۰/۱۷۱	۰/۸۶۴
آورده نظام بانکی	۲۱۰/۴	۳۰/۳	۱۳۸/۱	۲۵/۶	t	۰/۱۷۸	۰/۲۴۱

مأخذ: نتایج تحقیق

محل تولید مواد اولیه و مصرف محصولات

از آنجا که بسته به نوع صنایع، مواد اولیه مورد نیاز و محصولات تولیدی واحدهای صنعتی متنوع و متعدد است، پژوهش حاضر به محل تولید مواد اولیه اصلی و محل مصرف محصولات عمده این واحدها، به‌علت نقشی که در هزینه تمام‌شده و درآمد محصول دارند، پرداخته است:

محل تولید مواد اولیه: در حدود ۳/۷ درصد از واحدهای صنعتی، ۵/۷ درصد واحدهای به بهره‌برداری رسیده و ۱/۸ درصد واحدهای به بهره‌برداری نرسیده برای تولید به ارز خارجی نیاز دارند و در این زمینه، دیگر واحدها وابستگی ارزی ندارند. همچنین، تعداد مواد اولیه اصلی واحدهای مورد بررسی بین یک تا بیش از پنج ماده و به‌طور متوسط، ۲/۷ است؛ این تعداد برای واحدهای به بهره‌برداری رسیده ۲/۸ و برای واحدهای به بهره‌برداری نرسیده ۲/۶ خواهد بود. نقاط روستایی و شهری منطقه استقرار واحدهای صنعتی مورد بررسی، به ترتیب، ۲۱/۷ و ۳۹/۷ درصد و سایر مناطق نیز ۳۸/۶ درصد از این مواد را برای واحدهای صنعتی تولید می‌کنند. این ارقام برای واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده، به ترتیب، ۲۳/۴، ۴۰/۱ و ۳۶/۵ درصد و برای سایر واحدها، به ترتیب، ۱۹/۲، ۳۹/۲ و ۴۱/۶ درصد است. بر اساس نتایج آزمون t، محل تولید مواد اولیه واحدهای به بهره‌برداری رسیده و واحدهای به بهره‌برداری نرسیده تفاوتی با یکدیگر ندارند و اختلاف ارقام ناشی از تصادف است (جدول ۷).

شایان یادآوری است که در زمان فعالیت واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده، صاحبان آنها به‌طور متوسط ۴۰/۳ درصد از مواد اولیه مورد نیاز خود را از تولیدکننده، ۴۴/۱ درصد را از عمده‌فروش، و ۱۵/۶ درصد را نیز از سایر افراد خریداری می‌کنند.

محل مصرف محصولات: تعداد محصولات عمده‌تولیدی واحدهای صنعتی مورد بررسی به‌طور متوسط ۲/۰۱ شامل ۱/۹۱ برای واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده و ۲/۱۲ برای واحدهای صنعتی به بهره‌برداری نرسیده بوده، محل مصرف ۱۷/۹ درصد این محصولات نقاط روستایی و ۴۳/۱ درصد نیز نقاط شهری منطقه استقرار واحدهای صنعتی، ۲۹/۲ درصد سایر نقاط کشور، و ۹/۸ درصد خارج از کشور است.

این ارقام برای واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده، به‌ترتیب، ۲۲/۶، ۳۶/۸، ۲۹/۴، و ۱۱/۲ درصد و برای واحدهای صنعتی به بهره‌برداری نرسیده نیز به‌ترتیب، ۱۲/۵، ۵۰/۵، ۲۸/۸، و ۸/۲ درصد است. بنابر این، بر اساس این ارقام، نقاط روستایی منطقه استقرار واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده نقش بیشتری در مصرف محصولات این واحدها دارند، در حالی که در واحدهای صنعتی به بهره‌برداری نرسیده، چنین نقشی بر عهده نقاط شهری این مناطق است. نتایج آزمون t نیز مؤید اختلاف معنی‌دار بین محل مصرف محصولات در نقاط شهری و روستایی محل استقرار واحدهای صنعتی و عدم تفاوت معنی‌دار بین محل مصرف محصولات در سایر نقاط و یا خارج از کشور است (جدول ۷).

جدول ۷- مقایسه محل تولید مواد اولیه و محل مصرف محصولات واحدهای صنعتی

شرح	تعداد پاسخگو	وضعیت واحد		آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی داری
		به بهره‌برداری نرسیده	به بهره‌برداری رسیده			
روستاهای منطقه (درصد)	۲۷	۱۹/۲	۲۳/۴	t	۰/۷۴۷	۰/۴۵۶
	۵۱	۳۹/۲	۴۰/۱	t	۰/۱۲۷	۰/۸۹۹
	۴۹	۴۱/۶	۳۶/۵	t	۰/۹۰۸	۰/۳۶۶
شهرهای منطقه (درصد)	۲۲	۱۲/۵	۲۲/۶	t	۲/۲۵۳	۰/۰۲۶ *
	۵۴	۵۰/۵	۳۶/۸	t	۲/۶۵۸	۰/۰۰۹ *
	۳۷	۲۸/۸	۲۹/۴	t	۰/۱۰۵۷	۰/۹۵۴
	۱۳	۸/۲	۱۱/۲	t	۰/۶۵۹	۰/۵۱۱

مأخذ: نتایج تحقیق

وضعیت تولید و تقاضای محصولات

تولید؛ همان‌گونه که پیش‌تر یادآور شدیم، واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده به-طور متوسط ۱/۹۱ نوع محصول اصلی تولید می‌کنند و تولیدات سایر واحدها ۲/۱۲ نوع محصول اصلی خواهد بود. بر اساس نتایج بررسی‌های انجام‌شده، تولیدات مشابه محصولات تولیدی تمام واحدهای صنعتی مورد بررسی در بازار وجود دارد؛ محصولات مشابه تولیدات ۴/۸ درصد از واحدهای صنعتی مورد بررسی از طریق واردات، ۳۳/۹ درصد از طریق تولید صنایع بزرگ در کشور، ۱۳/۷ درصد از طریق تولید کارگاه‌های سنتی، و ۴۷/۶ درصد دیگر نیز از طریق ترکیبی از روش‌های یاد شده و یا تولید توسط صنایع روستایی عرضه می‌شود. این ارقام برای واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده، به‌ترتیب، ۷/۵، ۳۵/۸، ۱۶/۴، و ۴۰/۳۰ درصد و برای واحدهای صنعتی به بهره‌برداری نرسیده، به‌ترتیب، ۱/۸، ۳۱/۶، ۱۰/۵، و ۵۶/۱ درصد است. بنابراین، مقایسه این ارقام نشان می‌دهد که منابع عرضه محصولات مشابه تولیدات واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده و واحدهای به بهره‌برداری نرسیده با هم چندان تفاوت ندارند (جدول ۸).

تقاضا؛ به نظر پاسخ‌گویان، هم‌اکنون میزان تقاضا برای تولیدات ۴۶/۸ درصد از واحدهای صنعتی مورد بررسی کم، ۳۳/۶ درصد متوسط، و ۲۴/۶ درصد نیز زیاد است. این ارقام برای تولیدات واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده، به ترتیب، ۷۶/۹، ۲۰/۰، و ۳/۱ درصد و برای تولیدات واحدهای به بهره‌برداری نرسیده، به ترتیب، ۱/۸، ۴۹/۱، و ۴۹/۱ درصد خواهد بود، که از وضعیت مطلوب‌تر تقاضا برای تولیدات آتی در واحدهای به بهره‌برداری نرسیده حکایت دارد (جدول ۸).

از آنجا که نظر پاسخ‌گویان واحدهای به بهره‌برداری رسیده بر اساس تولید و عرضه محصول در حال حاضر ارائه شده اما نظر پاسخ‌گویان واحدهای به بهره‌برداری نرسیده تنها در حد پیش‌بینی بوده است، می‌توان نتیجه گرفت که این افراد به وضعیت تقاضای محصولات تولیدی خود در آینده خوش‌بین‌اند، و این عامل مانعی برای به بهره‌برداری نرسیدن واحدهای آنها نبوده است.

جدول ۸- مقایسه وضعیت تولید و تقاضای محصولات واحدهای صنعتی

شرح	تعداد پاسخ‌گو	وضعیت واحد		آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری
		به بهره‌برداری نرسیده	به بهره‌برداری رسیده			
محصولات مشابه تولید شده	۶	۱/۸	۷/۵	X ^۲	۴/۶۴۲	۰/۲۰۰
	۴۳	۳۱/۶	۳۵/۸			
	۱۷	۱۰/۵	۱۶/۴			
	۶۱	۵۶/۱	۴۰/۳			
میزان تقاضای تولیدی	۵۴	۱/۸	۷۶/۹	X ^۲	۷/۳۹۲	۰/۰۲۵
	۴۳	۴۹/۱	۲۰/۰			
	۳۱	۴۹/۱	۳/۱			

مأخذ: نتایج تحقیق

بحث و نتیجه گیری

با توجه به مطالب یاد شده، می توان گفت که در وهله نخست، علی رغم صرف زمان و هزینه قابل توجه برای صدور جواز تأسیس و سرمایه گذاری های چشمگیر در زمینه ایجاد نواحی، مجتمع ها و کارگاه های صنعتی توسط بخش دولتی و غیردولتی، تاکنون از این سرمایه ها به نحو مطلوب استفاده نشده و لازم است با چاره اندیشی در این زمینه، به متغیرهای تسریع کننده بهره برداری در زمان صدور مجوز توجه بیشتری مبذول شود؛ و دیگر آنکه بین وضعیت اکثر متغیرهای مربوط به عوامل فردی و اقتصادی مرتبط با صنعت در واحدهای به بهره برداری رسیده و واحدهای به بهره برداری نرسیده در مناطق روستایی استان تفاوت معنی دار وجود ندارد و از این رو، همان گونه که از نظرات تعدادی از صاحبان واحدهای صنعتی و کارشناسان مرتبط با موضوع قابل استنباط است، ممکن است عوامل پنهان دیگری (مانند میزان روابط نسبی - سببی و روابط اداری - سیاسی متقاضیان تأسیس صنایع در مناطق روستایی با کارکنان دستگاه های متولی (ادارات و بانک ها) و نیز ویژگی های خاص شخصیتی و خانوادگی این افراد از عوامل مؤثر در طول مدت زمان به بهره برداری رسیدن و یا نرسیدن صنایع در مناطق روستایی باشد، که لازم است مورد بررسی قرار گیرد.

بنابراین، با توجه به نتایج پژوهش حاضر و به منظور رفع مشکلات و محدودیت های موجود در زمینه بهره برداری بهینه از سرمایه گذاری های دولتی و خصوصی در ارتباط با صدور مجوز و احداث صنایع در مناطق روستایی، نکات زیر پیشنهاد می شود:

- در زمان صدور جواز تأسیس صنایع در مناطق روستایی، به صنایعی اولویت داده شود که برای احداث و تجهیز به سرمایه کمتری نیاز دارند و میزان بیشتری از محصولات تولیدی آنها در روستاها و شهرهای منطقه استقرار آنها مصرف می شود؛
- متولیان صنایع روستایی باید به شناسایی فناوری های ساده و مناسب صنایع و مناطق مختلف با امکان تعمیر ماشین آلات و تجهیزات آن در داخل واحدهای صنعتی مناطق روستایی و یا پیرامون آن پردازند و در زمینه استفاده از این

فناوری‌ها، متقاضیان احداث صنایع را راهنمایی و تشویق کنند؛ همچنین، در صورت ضرورت استفاده از فناوری نوین، لازم است زمینه آموزش نیروی کار برای استفاده بهینه از تجهیزات این واحدها فراهم شود؛

- باید افزون بر زمینه‌سازی برای استفاده از تسهیلات بانکی در تأمین سرمایه مورد نظر برای احداث و تجهیز صنایع، در زمینه تأمین امکانات خدماتی و زیربنایی و ماشین‌آلات و تجهیزات نیز با سرمایه‌گذاران همکاری فکری و مالی شود؛ بدیهی است که نباید این همکاری‌ها برای تمام صنایع و مناطق یکسان باشد، بلکه باید نوع و میزان همکاری‌ها برای مناطق و صنایع مختلف مشخص شده، در قالب قوانین و مقررات شفاف، به اطلاع متقاضیان تأسیس صنایع در مناطق روستایی رسانده شود؛
- شرایط و ضوابط اخذ جواز تأسیس صنایع در مناطق روستایی و چگونگی بهره‌مندی سرمایه‌گذاران از تسهیلات بانکی و غیربانکی و همچنین، مواردی که متقاضیان می‌توانند برای دریافت تسهیلات در اولویت قرار گیرند، در قالب قوانین و آیین‌نامه‌ها شفاف شود تا از سوءاستفاده افراد از این تسهیلات بر اساس روابط خانوادگی و اداری-سیاسی جلوگیری به عمل آید؛
- از آنجا که استقرار واحدهای صنعتی در مکان‌های نامناسب، علاوه بر تأخیر در بهره‌برداری از آنها، به افزایش هزینه‌های تولید و مشکلاتی چون تأمین مواد اولیه می‌انجامد، توصیه می‌شود که برای جلوگیری از این وضعیت، مکان‌یابی صنایع مختلف بر اساس اصول علمی و فنی مد نظر قرار گیرد؛
- از آنجا که در حال حاضر، ناتوانی مالی سرمایه‌گذاران از مشکلات اساسی در هر دو گروه واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده و به بهره‌برداری نرسیده به‌شمار می‌رود، که خود به ایجاد وضعیت نیمه‌فعال یا غیرفعال در شماری از صنایع انجامیده است، توصیه می‌شود که اعطای تسهیلات بانکی برای تأمین سرمایه ثابت (احداث و تجهیز) و سرمایه در گردش (نقدینگی) واحدهای صنعتی موجود برای بهره‌گیری بهینه از سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده مد نظر قرار گیرد؛ و

- از آنجا که در حال حاضر، یکی از دلایل غیرفعال و یا نیمه فعال بودن واحدهای صنعتی به بهره برداری رسیده کمبود تقاضا برای محصولات تولیدی آنهاست، که البته به عدم بازاریابی مناسب تولیدات این صنایع برمی گردد، لازم است برای بازاریابی محصولات و ارائه آموزش های لازم در مورد فنون بازاریابی و ایجاد تسهیلات برای صادرات، دستگاه های متولی با صاحبان صنایع روستایی بیش از پیش همکاری کنند.

یادداشت ها

1. United Nations Industrial Development Organization (UNIDO)

منابع

- خزاعی قوژدی، علی (۱۳۷۶)، «صنایع روستایی، تحولات و توسعه». *فصلنامه روستا و توسعه*. سال ۱، شماره ۲ و ۳. تهران: وزارت جهاد سازندگی. مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- دربان آستانه، علیرضا (۱۳۷۹)، *اندازه گیری و تحلیل بهره وری صنایع کوچک روستایی و بررسی عوامل مؤثر بر آن*. پایان نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده کشاورزی.
- رادان، محمدمهدی (۱۳۷۵)، *ارزشیابی طرح ایجاد نواحی صنعتی در مناطق روستایی*. پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- رزمی، بهروز و همکاران (۱۳۷۹)، *گزارش فاز اول امکان پذیری توسعه اشتغال از طریق ایجاد و گسترش صنایع در مناطق روستایی شهرستان های اردبیل، نیر و نمین*. اردبیل: سازمان جهاد سازندگی استان اردبیل.
- عابدی استیاری، محمد (۱۳۷۶)، *بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت فیزیکی موافقت های اصولی صادره از سوی صنایع روستایی سازمان جهاد سازندگی آذربایجان شرقی*. تبریز: سازمان جهاد سازندگی استان آذربایجان شرقی، گروه تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

- غراب، ناصرالدین (۱۳۷۲)، *اثرات اقتصادی و اجتماعی صنایع کوچک روستایی (بر اساس تحقیقی پیرامون موافقت اصولی صادره از سوی جهاد سازندگی خراسان*. مشهد: سازمان جهاد سازندگی استان خراسان، گروه تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- غراب، ناصرالدین (۱۳۶۹)، *صنایع کوچک روستایی در کشورهای در حال رشد*. مشهد: سازمان جهاد سازندگی استان خراسان، گروه تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- فروزفر، علی (۱۳۶۴)، «راهبردهای توسعه صنایع کوچک در ژاپن، چین و هند». *مجله جهاد*. سال ۵، شماره ۸۲. وزارت جهاد سازندگی.
- محمودنژاد، منصور (۱۳۶۷)، «برنامه‌های توسعه صنایع کوچک». *مجله جهاد*. سال ۸، شماره ۱۱۰. وزارت جهاد سازندگی.
- معاونت طرح و برنامه‌ریزی جهاد سازندگی (۱۳۷۲)، *عوامل مؤثر بر صنعتی نمودن مناطق روستایی*. تهران: وزارت جهاد سازندگی، دفتر مطالعات اقتصادی.